



## اختلافات کشورهای ساحلی حوزه خلیج فارس

به کوشش مسعود رضایی

کشورهای ساحلی خلیج فارس، از نظر مرزی دارای اختلافات ارضی هستند. ((در میان هشت کشور ساحلی، حدود 23 اختلاف سرزمینی وجود دارد)).<sup>1</sup>

در بسیاری از مناطق، نقاط مرزی کاملاً مشخص نیست و همین مسأله موجب ادعاهای کشورهای همسایه می شود به نظر بسیاری از کارشناسان سیاسی منطقه، بخشی از اختلافات، ناشی از دوران استعماری انگلیس است. زیرا یکی از شگردهای استعمارگران انگلیسی، نامشخص گذاشتن نقاط مرزی به طور دقیق در زمان استقلال بود تا بتوانند دستاویزی برای تحریک و درگیری کشورها داشته باشند. البته سازمان های همکاری منطقه ای که در جهت همگرایی گام برمی دارند، می توانند به حل مناقشات کمک کنند.

دکتر عبدالقوی عبدالواسع الاریانی سفیر سابق یمن در تهران در این باره چنین می گوید:

((بدن تردید، هرگونه اختلاف مرزی یا سیاسی میان کشورهای عضو، بر روند همکاری تأثیر منفی می گذارد. اما عضویت این کشورها در شورا می تواند اختلاف ها را حل کند. زیرا دیگر اعضاء می توانند در این رابطه تلاش کنند و هر کشور مسئولانه، برای تقویت همبستگی و همکاری در زمینه های مختلف تلاش کند. شورای همکاری نقش فعالی در این زمینه بر عهده دارد)).

در زیر، به مواردی از اختلافات کشورهای ساحلی خلیج فارس پرداخته می شود:

#### عربستان سعودی - قطر

یکی از جدی ترین درگیری ها ی مرزی وارضی بین ریاض ودوحه وجود دارد که هرازگاهی اوج می گیرد وموجب بروز تنش میان دوکشور می شود. به طوری که در اوت 1992 بین دوکشور درگیری مسلحانه رخ داد ویک سعودی و2 قطری کشته شدند ودر نوامبر همان سال (1992) قطر شرکت در جلسات شورای همکاری خلیج فارس در سطح وزیران را تحریم کرد. اگرچه در 20 دسامبر 1992 ریاض ودوحه تصمیم گرفتند که موافقت نامه 1965 را به اجرا درآورند وچند کیلومتر از خاک عربستان به قطر تعلق بگیرد. از سال 1965 تاکنون، دوکشور در نقطه ((ابوالخفوس)) درگیری دارند. همچنین جزیره ((حالول)) نیز از موارد اختلاف ریاض ودوحه است وقطر به موافقت نامه 1974 بین ریاض وامارات متحده عربی بر سر ((خورالعید)) معترض است. درگیری فوق همچنان ادامه دارد. به گفته پایگاه اینترنتی ایلاف وابسته به عربستان سعودی، در دیدار مشورتی رهبران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس که در ماه مه 2005 در شهر ریاض برگزار شد، مسأله برقراری آشتی میان عربستان وقطر مطرح شد واز شیخ صباح الاحمد الجابر الصباح خواسته شد برای آشتی ریاض ودوحه تلاش هایی را انجام دهد. درآغاز سال 2005 دولت قطر تابعیت قطری حدود 4000 نفر از قبیله ((بنی مره)) را به اتهام دست داشتن در ناآرامی های سال 1997 لغو وتاممی دارایی های آنها را ضبط وآنها را از قطر اخراج کرد. به طوری که تعداد زیادی از این افراد به سمت مناطق شرقی عربستان وتعداد دیگری در صحرا سکونت گزیدند. این مسأله، مورد اعتراض شاهزاده طلال بن العزیز برادر پادشاه عربستان وریاست برنامه خلیج

فارس در پشتیبانی از نهادهای رشد و توسعه وابسته به سازمان ملل متحد (اجفند) واقع شد و از قطر خواست در اخراج هزاران قطری که صدها سال در آن منطقه زندگی کرده اند، تجدیدنظر کند. طی توافق نامه ای که در دوحه میان اکبر الباقری رئیس هیأت مدیره شرکت هواپیمایی قطر و عابدالامری مدیرکل توافق های بازرگانی و امور حج شرکت هواپیمایی عربستان سعودی به امضاء رسید، قرار شد از اول فوریه سال 2006 خط هوایی میان دوحه و دمام برقرار شود. اختلاف میان ریاض و دوحه، از درگیری های سرزمینی و ارضی فراتر رفته و وارد عرصه ساختاری شده است، به طوری که این دو کشور در بسیاری موارد، در سطح منطقه ای و بین المللی مواضعی متضاد اتخاذ می کنند. در حالی که عربستان سعودی به ظاهر هیچ گونه رابطه سیاسی و اقتصادی با اسرائیل ندارد، قطر روابطی نیمه پنهان و نیمه آشکار با اسرائیل دارد و دارای روابط تجاری با تل آویو است. 2

در اجلاس شانزدهم سران شورای همکاری، اختلاف عربستان و قطر بر سر انتخاب دبیرکل شورای همکاری شدت گرفت. کشورهای قطر و عربستان دو نفر را داوطلب این سمت کرده بودند که نماینده عربستان (ابراهیم حبیان) با 5 رأی موافق در مقابل رأی مخالف (قطر) به عنوان دبیرکل شورا برگزیده شد. امیر قطر در اعتراض به انتخاب نماینده عربستان به عنوان دبیرکل شورا، اجلاس پایانی را تحریم کرد و اظهار داشت هر اجلاسی که حبیان دبیرکل سعودی در آن حضور داشته باشد، توسط کشور قطر تحریم خواهد شد که این موضوع را به منزله خروج موقتی قطر از شورای همکاری تلقی کردند. اگرچه سایر کشورهای عضو شورا اقداماتی را برای تعدیل موضع قطر آغاز کرده اند. 3

### عربستان سعودی - امارات متحده عربی

کشور امارات متحده عربی در دسامبر 1971 تأسیس شد و براساس توافق جده که در سال 1974 میان امارات و ریاض به امضاء رسید، منطقه ((واحه العین)) در ((البریمی)) شامل چندین روستا و شهر العین و صحرای ((الظفره))، کاملاً به امیرنشین ابوظبی تعلق گرفت. براساس این توافق، منطقه ((خورالعید)) در امتداد خط ساحلی به طول 25 کیلومتر بر سواحل خلیج فارس، در حد فاصل مرزهای خاکی ابوظبی و قطر 4 به خاک عربستان افزوده شد. منطقه ((خورالعید)) که علاوه بر اهمیت جغرافیایی، دارای 80% حوزه نفتی ((خیز الشیبه)) با بیش از 4 میلیارد بشکه نفت 5 و حدود 650 میلیون متر

مکعب گاز طبیعی است، از ویژگی‌های اقتصادی خاصی برخوردار است. اماراتی‌ها معتقدند توافق جده در شرایطی که کشور امارات در حال موجودیت یافتن بود، امضاء شد. همچنین امارات معتقد است عربستان برخی از مناطق ((سبرخه مطی)) را هم تصرف کرده است.

عربستان سعودی از شناسایی امارات متحده عربی تا زمانی که ابوظبی به ادعاهای ارضی اش از طریق موافقت نامه مرزی منعقد جولای 1974 (جده) ادامه می‌داد، خودداری می‌کرد. نهایتاً تصویب این اسناد راه را برای هماهنگی سیاست‌های مشترک در قبال مسائلی از قبیل نفت و امنیت منطقه ای، هموار کرد، هرچند که این مسأله هنوز به طور کامل حل نشده است. این امر نشان دهنده این واقعیت است که امارات متحده عربی، مرزی که مورد قبول هر دو طرف باشد ندارد و امارات متحده همچنان از مرزهای قبل از 1974 خود استفاده می‌کند. امارات متحده نگران آن است که عربستان سعودی مدعی آب‌های سرزمین محدوده 20 مایلی شود که راهرویی بین امارات متحده و قطر است. تقاضای عربستان سعودی در صورت چنین ادعایی بدیم معنا خواهد بود که میدان‌های نفتی امارات متحده عربی در حوزه مناقشه و میدان نفتی زرکوه که امارات و قطر در آن سهم هستند، به عربستان سعودی تعلق یابد. 6

از سوی دیگر امارات و قطر نیز که دارای مرزهای آبی مشترک و فاقد مرز زمینی هستند، طرح احداث پلی ارتباطی راندبال می‌کنند. کارشناسان اظهار عقیده کرده اند که اگر منطقه خورالعید که اکنون در اختیار عربستان قرار دارد به امیرنشین ابوظبی انتقال یابد، امارات می‌تواند از آن برای برقرار کردن ارتباط مستقیم و عبور دادن پل مورد نظر با قطر بهره‌گیری کند.

احداث پل ارتباطی میان ابوظبی و قطر و نیز پل ارتباطی میان قطر و بحرین امکان می‌دهد تا شهروندان دو کشور بتوانند بدون ورود به مرزهای سعودی به کشورهای هم سفر کنند. شهروندان قطر و بحرین هم اکنون با عبور از مرزهای سعودی می‌توانند به سفر زمینی بپردازند که این امر مشکلاتی را برای این دو کشور به منظور ارتباط با جهان خارج در برداشته است.

کارشناسان سیاسی در ابوظبی بر این باورند که مقام‌های سعودی از پیوستن قطر و بحرین به کشورهای همسایه و گشایش

جغرافیایی آنها ناخرسندند. 7

روزنامه ریاض چاپ عربستان سعودی در ژوئن 2005 از قول وزیر امور خارجه امارات عربی متحده، نوشت: که قرارداد 1974 میان دو کشور غیرقابل اجراست و به بازنگری اساسی نیاز دارد. در همان روزها امیر نافف بن عبدالعزیز وزیر کشور عربستان پس از یک سفر سه روزه به ابوظبی به خبرنگاران گفت: غیرازپاره ای مسائل، چیزی برای بررسی در مورد اختلافات ارضی باقی نمانده است.

بعد از فوت شیخ زاید رئیس پیشین امارات در آبان ماه 1383 فرزندان و جانشین او شیخ خلیفه بن زاید آل نهیان در جریان نخستین سفر به ریاض در آذر 83 مسأله تجدیدنظر در توافق های مرزی قبلی را با مقام های عربستان مطرح کرد. ولی مقام های عربستان در پاسخ به شیخ خلیفه توافق 1974 جده را مطرح ساختند و موضع اصلاحات مرزی را پایان یافته تلقی کردند.

## عراق - کویت

اختلافات عراق با کویت اختلافی دیرینه و به قدمت عمر تأسیس و اعلام استقلال کویت است. زیرا گذشته از اختلافات مرزی، اصولاً عراقی ها موجودیت کشوری به عنوان کویت را به رسمیت نمی شناسند و کویت را منطقه چهارم عراق می دانند (1-شمال، کردنشین 2-مرکز، سنی نشین 3-جنوب و بصره، شیعه نشین 4-کویت) ولی در خلال جنگ عراق با ایران، بغداد در سال 1981 اعلام کرد مرزهای بین عراق و کویت را مطابق موافقت نامه 1932 و 1962 به رسمیت می شناسد. به شرط آنکه کویت جزایر ((وربه)) و ((بویان)) را به عراق اجازه دهد تا عراق از این جزایر به عنوان پایگاه برخوردار شود و کویت موافقت کرد زیرا برای کویت قبول موافقت نامه های 1932 و 1962 حائز اهمیت فراوان بود. ولی عراق بعد از پایان جنگ با ایران، جزایر ((وربه)) و ((بویان)) را همچنان در اختیار داشت که مورد اعتراض کویت واقع شد. ولی بهانه عراق برای اشغال کویت در اوت 1990 این بود که کویت در زمان جنگ عراق با ایران 75 کیلومتر در خاک عراق پیشروی داشته است.

## بحرین - قطر

دوکشور کوچک و کم جمعیت بحرین و قطر بر سر مسائل مرزی نیز با هم درگیری دارند که گاه دامنه مناقشات اوج می گیرد تا جایی که یک بار بحرین تصمیم گرفت به دیوان دادگستری بین المللی شکایت کند که با میانجیگری کشورهای عضو شورای همکاری این اقدام متوقف شد. این درگیری ها به دلیل ادعاهایی است که هر کدام ابراز می دارند. از جمله: جزیره ((حوار)) که در 20 کیلومتری بحرین و 2 کیلومتری قطر واقع است و دولت بحرین مصمم است حاکمیت خود را بر جزایر ((حوار)) و ((زباره)) تثبیت کند و نیروهای نظامی خود را در آنجا مستقر سازد. در مارس 1982 بحرین یک کشتی جدید نیروی دریایی خود را به نام ((حوار)) نامگذاری کرد و بر حساسیت قطر افزود و دوحه تحرکات منامه را محکوم کرد و موجب برخوردهای نظامی شد و متقابلاً قطر نیز آب های سرزمینی خود را به 44 کیلومتر (مشراف بر 10 جزیره کوچک تحت قیومیت بحرین) گسترش داد و بحرین نیز به تصمیمات قطر اعتراض کرد و به این ترتیب، فضایی آکنده از سوء تفاهم پدیدار شد که هم چنان ادامه دارد.

## عمان - امارات متحده عربی

دو کشور عمان و امارات نیز مانند سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از نظر مرزهای سرزمینی اختلاف دارند. عمان خواهان راهی است که آن کشور را به شبه جزیره ((مسندام)) از طریق ((فجیره)) و ((شارجه)) وصل می کند و امارات مخالف این درخواست عمان است و این اختلاف، به درگیری مسلحانه در سال 1979 بین دو کشور انجامید، به طوری که عمان تا کاه مه 1991 از برقراری روابط کامل دیپلماتیک با امارات خودداری می ورزید و همچنین در برخورد مسلحانه ای که در نوامبر 1992 بیه دو طرف رخ داد، چند نفر از دو کشور کشته شدند.

## ایران - امارات متحده عربی

اختلاف میان ایران و امارات بر سر جزایر سه گانه ایران در حقیقت تنها یک توهم پان عربیسمی در منطقه است که در راستای ادامه سیاست های جنگ طلبانه و زیادی خواهانه صدام حسین پیش بینی شده است. ولی از آن جهت که شیخ نشین کوچک و جدیدالتاسیس امارت در پاسخ به هزاران سند کشور بزرگ و تاریخی ایران پیرامون مالکیت حقیقی ایران بر جزایر مجبور به فرافکنی می باشد عملاً در آینده مالکیت ایران بر این جزایر به روشنی مشخص است. همانطور که همه مقامات کشور ایران از همه گروهها و جناح های مختلف بر مالکیت ابدی ایران بر جزایر سه گانه سخن گفته اند بی شک مردم نیز تحت هیچ شرایطی اجازه تجاوز کشوری کوچک مانند امارات را به سرزمینشان را نخواهند داد. در سال 1903 میلادی دولت هند و بریتانیا بر پایه سیاست های استعماری، شیوخ شارجه را که فاقد سرزمین بودند و ادراک کردند پرچم قبیله خود را بر جزایر برافرازند. در آن زمان، ایران به عنوان نقض حاکمیت ارضی کشورش در مقام اعتراض برآمد و در اثر پی گیری های ایران و استمرار اعتراضات، دولت بریتانیا مجبور شد در سال 1970 و هنگام تخلیه خلیج فارس با دولت ایران وارد مذاکره شود. مقام انگلیسی که با ایران وارد مذاکره شد، ((سر ویلیام لوس)) بود و بعد از ماه ها مذاکره، تفاهم نامه ای در 27 نوامبر 1971 میان ایران و شارجه و تحت سرپرستی وزارت خارجه و مشترک المنافع پادشاهی بریتانیا منعقد شد که براساس آن، 2 جزیره تنب بزرگ و کوچک به طور کامل به ایران واگذار شد و در مورد جزیره ابوموسی ((حاکمیت)) مشترک ایرانی- شارجه ای اعمال گردید.

از 30 نوامبر 1970 جزایر مزبور به ایران بازگردانده شدند و نیروهای ایرانی مورد استقبال برادر حاکم شارجه قرار گرفتند. این توافق در شرایطی به امضاء رسید که سرزمین امارات، تحت الحمایه بریتانیا قرار داشت و پادشاهی بریتانیا مسئولیت روابط خارجی و دفاعی سرزمین امارات را بر عهده داشت و چند روز بعد در 2 دسامبر 1971 امارات متحده عربی تأسیس شد. در جلسه 9 دسامبر 1971 نماینده دائمی پادشاهی انگلستان در شورای امنیت سازمان ملل، توافق مزبور را در راستای استقرار صلح و امنیت در منطقه ارزیابی کرد.

البته در همان زمان، بریتانیای کبیر براساس استراتژی استعماری، با فتنه انگیزی از یک سو بحرین را که جزء لاینفک ایران بود از ایران جدا و تبدیل به کشوری مستقل کرد، که با اعتراض رجال ملی ایران روبرو شد و مرحوم داریوش فروهر به دلیل اعتراض به موافقت شاه با جداسدن بحرین از ایران، راهی زندان شد و از طرف دیگر، حاکمیت جزیره استراتژیک



ابوموسی را که حدود یکصد مایل با تنگه هرمز فاصله دارد و در میانه خلیج فارس واقع است و فاصله‌های نسبتاً برابر با دو کرانه ایرانی و اماراتی دارد، مشترکاً به ایران و شارجه سپرد تا همواره عاملی برای تحریک و ایجاد تنش وجود داشته باشد، دقیقاً همان سیاستی که انگلستان در دیگر نقاط جهان نیز اعمال کرده است. مطمئناً انگلیسی‌ها هرگز به منافع ملی ایرانیان و حتی اعراب امارات متحده عربی نمی‌اندیشیدند و آنچه را که موجب حفظ منافع استعماری بریتانیا بود دیکته می‌کردند مثلاً:

در 23 ژوئن 1965 شیخ شاکر سلطان القاسمی امیر وقت شارجه معزول و راهی کویت شد. ولی شیخ شاکر در مصاحبه‌ای اظهار داشت ((عزل او نه به خاطر اختلافات خانوادگی، بلکه بدلیل مخالفت او با سیاست‌های انگلیس بروز کرده است و این اختلاف موجب عزل او شده است و علت اختلاف او با لندن به این دلیل بود که بعد از ورود ((حسبونه)) دبیرکل اتحادیه عرب به شارجه، انگلیسی‌ها از شیخ شاکر خواستند کمک اتحادیه عرب را نپذیرد، در حالی که شیخ شاکر به نظر انگلیسی‌ها توجه نکرد. (روزنامه اطلاعات، سه شنبه 8 تیر 1344) شیخ زاید که از 13 دسامبر 1971 تا 2004 (زمان فوت) به مدت 33 سال حکومت امارات متحده عربی را در اختیار داشت، همواره تلاش می‌کرد دامنه حکومت امارات را افزایش دهد به طوری که در ابتدا حکومت امارات از امیرنشین‌های ابوظبی، دبی، فجیره، شارجه، عجمان و ام القوین تشکیل شد و بعد از مدتی رأس الخیمه نیز بدان پیوست. شیخ زاید بسیار راغب بود که بحرین را نیز به این جمع ملحق کند که مورد مخالفت ایران قرار گرفت و سپس ادعای الحاق ابوموسی و بعد از ملحق شدن رأس الخیمه، مدعی پیوستن تنب بزرگ و کوچک شد که با مخالفت ایران روبرو شد.

صدام از سال 1971 به بعد، پیوسته حاکمان امارات متحده عربی را مورد ملامت قرار می‌داد که چرا پذیرفتند جزایر عربی ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک در اختیار کشور غیر عربی (عجم) ایران قرار گیرد و آنها را تحریک می‌کرد که با پیروی از پان عربیسم و ناسیونالیسم عربی برای بازگرداندن جزایر مزبور اقدام کنند و آن را نشانه خفت شیخ زاید می‌دانست تا اینکه در سال 1975 صدام حسین در الجزایر با شاه ایران دست داد و رابوسی کرد و بیانیه الجزایر را امضاء نمود که مفاد آن مخالف با شعارهای پان عربیسمی و ناسیونالیسم عربی صدام و حزب بعث عراق بود. حاکمان امارات که چند سالی ملامت‌های رژیم عراق را تحمل کرده بودند، به انتقاد از صدام پرداختند و صدام هم به توجیه پرداخت و پاسخ داد چاره‌ای نداشتیم و از روی لاعلاجی بیانیه الجزایر را پذیرفتم! انتقادها و سرزنش‌های اعراب از صدام تبدیل به



یک عقده حقارت برای او شد و به دنبال فرصتی بود تا پهلوانی خود را در عرصه ناسیونالیسم عربی ثابت کند! بعد از اخراج شاه و انقلاب اسلامی ایران، این توهم برای صدام به وجود آمد تا عقده گشایی کند و آشفتگی‌های آغاز انقلاب را فرصتی برای رهایی خود از بیانیه الجزایر تشخیص داد و در صفحه تلویزیون ظاهر شد و جسورانه با پاره کردن بیانیه جنگ را آغاز کرد. یکی از عللی که در آغاز جنگ، امارات از مخالفان حمله عراق به ایران بود و به اتفاق سلطان نشین عمان در جناح طرفداران ایران قرار داشت، مربوط به اختلافاتی بود که قبل از انقلاب بین عراق و امارات ایجاد شده بود. البته بعد از تشکیل شورای همکاری در سال 1981 استراتژی شورا بر همراهی و همکاری با عراق شکل گرفت و امارات کمک‌های فراوان به عراق کرد.

((در اواخر سال 1991 میلادی یک قایق مسلح با سرنشینان هلندی توسط نیروهای ایرانی در آب‌های جزیره ابوموسی توقیف شد. در این قایق 77 نقشه وجود داشت که حدود فعالیت‌های جاسوسی را از تنگه هرمز تا جزیره خارک نشان می‌داد. قایق توقیف شده که با صرف بیش از 60 میلیون دلار به تجهیزات هم چون تیربار، دستگاه بی سیم، اسلحه و لباس غواصی مجهز شده بود (که یک فرد ساکن جزیره با یک توریست نمی‌تواند به همراه داشته باشد) و به دنبال آن تا سال 1992 چند قایق جاسوسی دیگر در حوالی ابوموسی توقیف شدند. در ماه مارس 1992 سه قایق تندرو از شارجه به سمت آب‌های جزیره ابوموسی به حرکت درآمدند. سرنشینان این قایق‌ها 13 نفر بودند که به آب‌های ساحلی ایران نفوذ کردند تا بندرعباس را تحت شناسایی قرار دهند. از درون این قایق‌ها اسنادی به دست آمد که نشان می‌داد سرنشینان آن وابسته به یکی از سرویس‌های امنیتی غرب هستند و مأموریت حمله به سه کشتی کره شمالی را داشتند. در پی تکرار این حوادث رئیس جمهور اسلامی ایران در بهمن ماه 1370 از جزیره ابوموسی دیدار کرد و دولت ایران تصمیم گرفت کلیه افراد ساکن جزیره را شناسایی و برای آنها کارت شناسایی صادر کرد. از این پس فقط اتباع ایرانی و اتباع شارجه که مقیم جزیره بودند، حق ورود و خروج به جزیره را داشتند و دیگران می‌بایست برای ورود به جزیره، جوازهای امنیتی دریافت کنند.

در فروردین ماه 1371 یک گروه از اتباع غیر شارجه‌ای شامل کارگران و تکنسین‌های پاکستانی، هندی، فیلیپینی و اتباع غیر اماراتی مصری تبار و آموزگاران عرب که فاقد مجوز ورود به جزیره ابوموسی بودند، عازم این جزیره شدند... این مسأله سرآغاز جنجال فروردین ماه 1371 در مورد جزیره ابوموسی شد.

شهریور 1371، کشتی ((خاطر)) حامل 104 نفر از اتباع امارات، مصر، هند، پاکستان و بنگلادش که اکثر آنان فاقد مجوز بودند، عازم جزیره ابوموسی شد. کشتی مزبور پس از عدم موافقت مسئولان جزیره با پیاده شدن مسافران، به بنادر امارات بازگشت و این آغاز تبلیغات مستمر و سوءاستفاده علیه جمهوری اسلامی ایران بود. چرا که در بندر خالد شارجه تعداد زیادی خبرنگار و فیلمبردار برای ارسال پیام‌های خود روی آنتن‌های بین‌المللی در انتظار بسر می‌بردند)) (شورای همکاری خلیج فارس، علی اصغر قاسمی نراقی، ص 144)

در تحلیل کارشناسان منطقه، در شکل‌گیری بحران جزایر سه گانه در سال 1992 و گسترش آن تاکنون، سه دسته عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دخالت دارند. از جمله عوامل داخلی می‌توان به مشکلات داخلی امارات متحده عربی اشاره کرد. مشکلاتی که از سال 1971 تاکنون تاملر انحلال وجود داشته و وجود یک دشمن خارجی مشترک در جهت حفظ یکپارچگی لازم می‌دانند.

#### پی‌نوشت‌ها

1. همگرایی و واگرایی منطقه‌ای، مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، جلد اول

2. سایت بازتاب

3. سلسله مقالات خاورمیانه‌شناسی، شورای همکاری خلیج فارس بررسی مواضع و جهت‌گیری

ها، رضایاکدامن، بهمن 1375، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

4. تقریباً ابوظبی را از خاک قطر جدا می‌کند

5. برخی آمارهای غیر رسمی بین 15 میلیارد تا 19 میلیارد بشکه نفت را برآورد می‌کنند

6. الگوهای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس، ص 28

7. ظاهراً عربستان به این دلیل که این پل، قطر را از انزوای جغرافیایی خارج می‌کند با آن مخالفت می‌ورزد

برگرفته از دیدگاه‌های شورای همکاری خلیج فارس – دکتر سید رضا شهابی